

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

از نشریه پیشرو شماره ۴۴

۰۷ جدی ۲۰۱۲

حاکمیت ملی یا اسارت ملی؟

سناریوی واگذاری عملیات شبانه و مسئولیت های زندان بگرام از غربی ها به نیروهای نظامی دولت کابل، چنان بالا گرفته که عده ای از افراد معلوم الحال با دیده درائی این موضوع را مستقیماً به حاکمیت ملی ربط داده و آن را دستاوردی بزرگ برای مردم افغانستان جار می زنند! اما آیا این عمل ربطی به حاکمیت ملی دارد؟ حاکمیت ملی چیست؟ و چه زمانی می توان به مفهوم واقعی کلمه این مقوله را به کار برد؟ این موضوعات ایجاب موشکافی را می نماید.

جوامع انسانی برای تداوم حیات خود علاوه بر خوراک، پوشاک و سرپناه برای نجات جان شان از تجاوز و بلغار بیگانگان و اجانب نیاز مبرم به اردوئی دارند که با جانفشانی، از خود گذری، وطن دوستی و تعهد از مرز های کشور دفاع نمایند. حراست از سرحدات به عهده نظام های سیاسی اند که با رأی و انتخاب توده های میلیونی بدون زور، تقلب، پول های خارجی ها، وابستگی و جاسوسی به وجود آمده باشند نه دولت هائی که در انتخاب آنها توده های زحمتکش هیچ نقشی ندارند.

نظام های مردمی با استفاده از نیروی های نظامی متعهد و وفادار نمی گذارند که جاسوسان و وطن فروشان در دستگاه های دولتی نفوذ نمایند و حاکمیت ملی کشور را به خطر اندازند، در حالی که در نظام های غیر مردمی وابستگی تا دروازه های ریاست جمهوری نفوذ نموده، هیچ مقامی در هیچ سطحی نمی تواند بدون وابستگی به سازمان های جاسوسی یا کشورهای همسایه در این نوع نظام ها به کار گمارده شود. موجودیت فساد یکی از نشانه های بارز و آشکار این نوع نظام ها است. در چنین نظام هائی، حاکمیت ملی مفهوم خود را از دست می دهد و هیچ علاقه و میلی به حفظ تمامیت ارضی دیده نمی شود.

با نگاهی گذرا به حوادث و رویداد های سه دهه اخیر، در نتیجه خیانت ها، جنایت ها، وطن فروشی ها و وابستگی های سیاسی به کرات حاکمیت ملی ما نقض گردیده و زمینه اشغال را به سوسیال امپریالیزم شوروی، پاکستانی ها و غربی ها مهیا ساخته و دست درازی های ایران هر روز فزونی یافته است.

حزب مزدور و وابسته خلق و پرچم زمینه تجاوز سوسیال امپریالیزم شوروی به کشور ما را مساعد ساخت و دار و دسته خروشچف با سیاست های رویزیونیستی و توسعه طلبانه، افغانستان را به گورستان افغان ها مبدل ساخت. ویرانی و تباهی زیربنا ها، مهاجرت اجباری میلیون ها افغان و معیوب ساختن و به قتل رساندن میلیون ها تن دیگر از جمله "شاهکار" های حزب منفور دموکراتیک است. در نزد رهبری این حزب حاکمیت ملی مفهوم

خود را از دست داده بود و با هر ساز رویونیست های کرملین می رقصیدند. تا جائی که اگر در مسکو برف می بارید، رهبری این حزب منفور چتری را در کابل به سر می گرفتند. در چنین وضعیتی شعار دفاع از مرز های کشور یک شعار بی معنی و غیر واقعی بود که توسط قلاده بندان کرملین سر داده می شد.

با آنکه در ابتدای تجاوز سوسیالیزم امپریالیزم شوروی، خیزش های مردمی خود جوش بود و هدفی جز حصول استقلال و آزادی را تعقیب نمی کرد، اما به مرور زمان و با سرازیر شدن "کمک" های امپریالیزم امریکا، عربستان سعودی و سایر کشور های ریز و درشت و نفوذ استخبارات پاکستان و ایران، ۹۰ فیصد از این قیام های مردمی آلوده به منافع امریکا، عربستان سعودی، ایران، پاکستان و سایر کشور ها گردید.

تنظیم های جهادی با راه انداختن جوی خون در کوچه پس کوچه های کابل (آمار ابتدائی نشان می دهد که بیش از ۶۵ هزار از مردم بی دفاع و مظلوم شهر کابل در آن زمان شهید شدند) نشان دادند که در وابستگی و نوکر منشی دست کمی از حزب منفور دموکراتیک ندارند. با گذشت نزدیک به ۲۰ سال از ویرانی کابل توسط تنظیم های وابسته به ایران و پاکستان، نشانه های آن کماکان دیده می شود. بعد از سقوط دولت دست نشانده نجیب سیاست پاتک سالاری، دزدی، چور و چپاول، غارت دارائی های عامه، اذیت و آزار مردم در سراسر کشور نزد تنظیم های جهادی به یک تفریح مبدل شد.

در چنین وضعیتی، ویروس طالبانی مثل قارچ از زمین سر بر آورد و با یک چشم به هم زدن یوقانه تنظیم ها ترکیب و امارت قرون وسطائی حاکم گردید. عده ای از مردم رنج دیده و زحمتکش افغانستان که از جنایات تنظیم های جهادی به تنگ آمده بودند، در اوایل ظهور طالبان را استقبال کردند، اما به مرور زمان و با افشای چهره پلید و وابسته آنها هر روز انزجار مردم بیشتر می شد و متوجه شدند که امارت طالبانی پروژه ای بیش نیست.

یازده سپتمبر و به تعقیب آن یلغار غربی ها به بهانه جنگ "علیه تروریسم و القاعده" و اتفاقات بعدی آن بیشتر از هر دوره ای برای توده های تحت ستم ما اظهر من الشمس است. برگزاری انتخابات سرکاری، ایجاد پارلمان های فرمایشی، تطبیق نظام اقتصاد بازار، سرازیر شدن نمایشی میلیارد ها دالر کمک (تنها مشاوران بیشتر از ۸ میلیارد دالر از این کمک ها به جیب زده اند) به نام مردم افغانستان، "آزادی" بیان، "آزادی" رسانه ها، جامعه مدنی، ایجاد "اردو، پولیس و امنیت ملی" از جمله "دستآورد" هائی است که خارجی ها به دولت کابل به ارمغان آورده اند و وابستگان با افتخار از حاکمیت ملی یاد آور می شوند!! در حالی که غربی ها با اشغال افغانستان، حاکمیت ملی آن را صریحاً نقض کرده و هر روز با قتل های عام وحشیانه، توهین و بی حرمتی به اجساد مرده ها، تلاش در جهت فدرالی ساختن (تجزیه) افغانستان و ایجاد پایگاه های دایمی، کشور ما را به حیث تیول شخصی خود می دانند.

در چنین شرایطی کسانی که ادعا دارند، می توان با سایه تفنگ و عسکر اشغالگر به حاکمیت ملی رسید، باید بدانند که حقایق را نمی توان پنهان ساخت؛ امروز مردم افغانستان به حاکمیت ملی نه که به اسارت ملی رسیده و هیچ مقامی در دولت توان کوچکترین اعتراضی علیه منافع غربی ها در افغانستان را ندارد.